گفت‌وگو
سجاد آذری

کنکور و متعلقاتش در گفت‌وگوی «جوان» با کارشناس حوزه آموزش و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

مافیای کنکور از مصوبه جدید دوچندان سود می‌برد!

سید مجید حسینی درباره مصوبه کنکوری شورای عالی انقلاب فرهنگی: به مافیای کنکور اجازه داده‌اید برود کتاب تشریحی هم چاپ کند

دوستان شورا دارند به مافیای کنکور حال می‌دهند! باید میدان آموزش را از پول پس بگیریم

پس از ابلاغ مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی از سوی رئیس‌جمهور که نقطه پایانی بر سرگردانی داوطلبان کنکور ۱۴۰۲ بود و تغییراتی همچون تأثیر ۴۰ درصدی سابقه امتحانات نهایی سال دوازدهم و همچنین برگزاری دوبار در سال کنکور را قطعی کرد؛ موضوعی که اکنون مهم به نظر می‌رسد دلایل تصویب این تغییرات در شورای عالی انقلاب فرهنگی و میزان تأثیرگذاری آن بر بهبود وضعیت سنجش در کشور است. در شرایطی که منصور کبگانیان، دبیر و قائم‌مقام ستاد راهبری اجرای نقشه جامع علمی کشور شورای عالی انقلاب فرهنگی در گفت و گو با «جوان» تأکید کرده‌بود، هر چند مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی قرار نیست همه مشکلات علم و عالم حل را کند، ولی بخش مهمی از زخم دیرینه کنکور را شروع به حل کردن خواهد کرد و اکنون بچه‌ها می‌دانند به جای تست یاد گرفتن باید درس‌ها را عمیق بخوانند (می‌توانید مشروح گفت و گوی «جوان» با کبگانیان را در صفحه سه روزنامه پنج‌شنبه، سی‌ام تیرماه بخوانید)، اما سیدمجید حسینی، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران نظرات متفاوتی دارد. این کارشناس حوزه آموزش در گفت و گو با «جوان» مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی را فاقد توانایی عادلانه کردن سنجش دانش آموزان می‌داند.

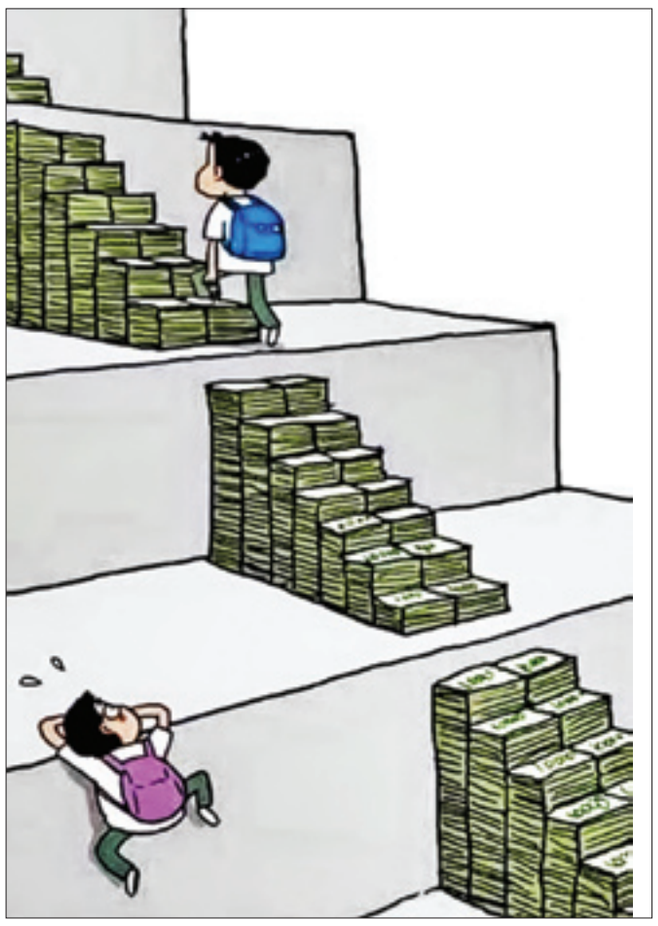

مطابق مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی قرار است کنکور دو بار در سال برگزار شود، آن هم در شرایطی که می‌بینیم شائبه تقلب در کنکور امسال موجب شد تا معاون اول رئیس‌جمهور به مسئله ورود کند. در این شرایط مسئولان شورای عالی انقلاب فرهنگی معتقدند با برگزاری بیشتر کنکور در سال، امنیت آن نیز بیشتر می‌شود و البته استرس آزمون هم در میان داوطلبان کمتر خواهد شد؛ اصلاً می‌شود کنکور را دوبار در سال برگزار کرد؟

مسئله تعداد، مسئله مهمی نیست و مشکل اصلی کنکور هم مشکل استرس کنکور نیست. اینها در حالی مسئله اصلی کنکور را استرس کنکور یا فشار روحی و عصبی بچه‌ها مطرح می‌کنند که مسئله اصلی کنکور تبعیض و نابرابری است که حول و حوش این وضعیت اتفاق می‌افتد. حتی تقلب هم مسئله اصلی کنکور نیست؛ تقلب یک امر ساختاری در کنکور نیست و می‌تواند رفع شود.

وقتی با بالا و پایین‌شدن یک درصد نمره آزمون، رتبه فرد چند هزار نفر تغییر می‌کند و سرنوشت افراد عوض می‌شود، چطور امکان دارد تقلب مسئله کنکور نباشد؟

این سرنوشت یک نفر یا ۱۰ نفر را عوض می‌کند، ولی مشکل ساختاری چنین چیزی نیست. وضعیتی که در کنکور وجود دارد، این است که به شکل ساختاری ضدطبقات پایین است. بحث در مورد یک نفر یا دو نفر نیست، بلکه بحث این است که ۸۶ درصد ورودی‌های دانشگاه علوم پزشکی تهران از دهک دهم هستند؛ یعنی این سنگر طبقات بالاست، بعد برخی مسئله به این بنیادی کنکور را به استرس بچه‌ها تقلیل می‌دهند که مثلاً آن را دو مرحله کنیم بچه‌ها استرس نکشند یا تقلب کم شود! اصلاً مسئله این نیست! گیرم شما مسئله تقلب را هم حل کردید، خب مهم نیست چون اگر تقلب را هم حل کنید، باز هم طبقه بالا پیروز می‌شود.

شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌گوید ما یک‌سری امتحان تشریحی برای سال آخری‌ها برگزار می‌کنیم، البته با فرض اینکه می‌توانند امتحان را تشریحی و بدون مشکل در همه کشور برگزار کنند، ۴۰ درصد کنکور همین امتحانات تشریحی خواهد بود و این، مشکل شکاف طبقاتی را از بین می‌برد، چون دیگر هنر تست‌زنی نیست که فقط در کلاس کنکور آموزش داده‌شود.

انجام دادن آن که مهم نیست؛ الان هم انجام می‌دهند. آن چیزی که مهم است، نتیجه آن است. به نظر من آن چیزی که الان تصمیم گرفته‌شد تعمیق بتنی شدن و برنده شدن طبقات بالا در کنکور است و این حتماً به نفع طبقات بالاست چون طبقات بالا دارند مدارس خوب می‌روند. شما وقتی غیرانتفاعی ۷۰ میلیون تومانی در تهران دارید، معلوم است بچه‌ای که به اندازه ۷۰ میلیون تومان پول خرجش کرده‌اند، در این بازی امتحانی پیروز می‌شود. وقتی میدان سرمایه‌داری است، هر عملی انجام دهید به نفع سرمایه‌دار و پولدار می‌شود؛ باید میدان سرمایه‌داری را جمع کنید و اثر پول را در کنکور از بین ببرید. اینها به جای اینکه اثر پول را در میدان از بین ببرند، کارهای دیگر می‌کنند. هی سر به کلاه، هی کلاه به سر، هی حسن کچل و هی کچل حسن، فرقی نمی‌کند.

شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌گوید من الان به تنهایی نمی‌توانم تمام مشکلات عالم را حل کنم، ولی وقتی قبول داریم هنر تست‌زدن وجود دارد و در کنکور تأثیر می‌گذارد، من می‌توانم با برگزاری آزمون تشریحی و سهم دادن به آن در کنکور کاری کنم به جای این هنر تست‌زدن طرف بیاید عمیق مطلب را در مدرسه یاد بگیرد و درس بخواند.

شورا دارد کاری می‌کند که اگر شما با پول تست‌زنی یاد می‌گیری، حالا از این به بعد بیایی و با پول تشریحی یاد بگیری!

این بدتر است یا اینکه با پول تست‌زدن یاد بگیرید؟

برای فقرا چه فرقی می‌کند؟! در هر دو صورت به نفع ثروتمندان است که اگر تا به حال تستی یاد می‌گرفتند، الان تشریحی یاد می‌گیرند. آن دهک بالایی که علوم پزشکی تهران می‌روند، می‌روند در این رشته و آینده آنها تأمین می‌شود، حقوق ۸۰ میلیونی هم می‌گیرند، بعضاً نماینده مجلس هم می‌شوند و خلاصه در همه زمینه‌ها برنده می‌شوند. حالا آمدید به آنها تشریحی هم یاد دادید، دست شما درد نکند ولی حداقل برای من اهمیتی ندارد چون مشکل کنکور اینها نیست، مشکل کنکور این است که دارد آینده مردم و طبقات پایین را نابود می‌کند.

حرف شورا این است که من یک مافیای کنکور دارم، ولی وقتی به بچه‌ها تشریحی آموزش دهم او می‌تواند بیاید کنار آن کسی که در مدارس ۷۰ میلیونی رفته حداقل رقابتی انجام دهد، در حالی که رقابت در هنر تست‌زدن رقابت غیرواقعی و بی‌حاصلی است.

الان شما بروید در بازار ببینید و این حرف را راستی‌آزمایی کنید. مگر کتاب‌های تشریحی مافیای کنکور چاپ نمی‌شود؟! یعنی آن کسی که ۷۰ میلیون تومان پول می‌دهد، یاد نمی‌گیرد؟! پس مشکل ما اصلاً عمیق یادگرفتن نیست. الان شورا چه چیزی را رفع کرده‌است؟ مشکل این بود که شما هیچ‌کس را جز پولدارها در کنکور راه نمی‌دهید و الان هم مشکل بدتر شد، چون به مافیای کنکور اجازه دادید حالا برود کتاب تشریحی هم چاپ کند. می‌دانید در ماه گذشته در برخی از اقلام مافیای کنکور صددرصد گرانی داشتیم؟ کتاب تست آی‌کیو از ۳۵۰ هزار تومان به ۷۰۰ هزار تومان رسیده‌است؛ این دوستان شورا دارند به مافیای کنکور حال می‌دهند.

اگر تا به حال مافیای کنکور در ۱۲ رشته چاپ می‌کرد الان دارد در ۱۲ رشته ضربدر دو چاپ می‌کند. یک تشریحی دارد و یک تستی. اینکه شورا، مافیای کنکور را دعوت می‌کند و از آنها مشورت می‌خواهد برای من مهم است، با آنها رفاقت می‌کند و با ما مناظره، در حالی که باید با ما رفاقت کند و با مافیای کنکور مناظره!

شما اگر خودتان تصمیم‌گیر بودید در وضعیتی که بالاخره ما یک شکاف اقتصادی در میان فقیر و غنی داریم، عده‌ای پول دارند و در کلاس کنکور با هنر تست‌زنی کنکور را قبول می‌شوند، می‌خواستید این مشکل را چه‌طور حل کنید؟

یک پیشنهاد خیلی ساده که کار پیچیده‌ای نیست و به شکاف اقتصادی هم هیچ ربطی ندارد، این است که مجوز مؤسسات کنکور را ابطال کنند. ضمناً کاغذ دولتی هم به آنها ندهند. الان به آنها کاغذ دولتی هم می‌دهند که می‌آیند همان را در بازار آزاد به مردم می‌فروشند و کنکور می‌دهند؟! خب ندهند. مشکل این است که من همدستی می‌بینم، مشکل این است که آموزش و پرورش ما به پول اینها آلوده شده‌است و گرنه جمع کردن آنها کار سختی نیست. مشکل این است که سازمان سنجش ما دارد از این موضوعات پول درمی‌آورد. مشکل تعاونی سنجش است. من این حرف‌ها را یک بار زده و رفته‌ام دادگاه، یک بار دیگر هم دارم می‌گویم باید دوباره هم دادگاه بروم! گفته بودم تعاونی سنجش ۴۰ میلیارد تومان از این کار در می‌آورد، بعد نماینده سازمان سنجش در دادگاه می‌گوید آقا ما ۲۰ میلیارد تومان در می‌آوریم! من گفتم مرد حسابی تو به عنوان نماینده دولت چرا آمده‌ای از بخش خصوصی دفاع می‌کنی؟ پول تعاونی سنجش رسماً در جیب کارکنان سازمان سنجش می‌رود چه ربطی به دولت دارد؟! بعد شما می‌روید فاتحه کنکور را بخوانید که اینها سود ببرند؟ من احساسم این نیست که اینها بلد نیستند، احساس من این است که اینها همدستی دارند و گرنه روشن است که باید جلوی مافیای کنکور را گرفت. در چین حتی نمی‌گذارند برای بچه‌ها معلم خصوصی بگیرند که ناعدالتی نشود بعد اینجا ما مشغول تقویت مافیا هستیم و می‌گوییم آنها تستی چاپ کنند، بهتر است یا تشریحی!

تصور کنید ما این کار را هم انجام دادیم، اتفاقی که می‌افتد این است که بچه پولدارها می‌روند خارج از کشور یک درسی هم می‌خوانند و به جای اینکه پولی این طرف هزینه کنند می‌روند پول بیشتری به خارجی‌ها می‌دهند و وقتی دکترای خود را گرفتند، می‌آیند اینجا به عنوان پزشک مشغول به کار می‌شوند. این وسط ما فقط یک سودارزی به ترکیه و چند کشور سطح پایین آموزشی دیگر شرق اروپا رسانده‌ایم.

او می‌رود و برنمی‌گردد.

خیر او می‌رود و برمی‌گردد، چون در آن کشورها برای او کاری نیست. طرف در کنکور اینجا هم قبول نمی‌شود، می‌رود آن طرف یک درسی می‌خواند و برمی‌گردد.

اولاً آن کسی که می‌رود ترکیه برمی‌گردد، ولی آن کسی که می‌رود اسپانیا که برنمی‌گردد. دوم اینکه شما ۵ میلیارد تومان حداقل نیاز دارید تا این کار را انجام دهید، حالا چند نفر ۵ میلیارد تومان برای این کار دارند؟! ولی چندین نفر ۵۰۰ میلیون تومان دارند که هزینه مافیای کنکور کنند. این دو عدد متفاوت است و اصلاً طبقه آنها با هم یکی نیست. تعداد بسیار محدودی می‌توانند ۵ میلیارد تومان پول بدهند، بروند آنجا پزشک بشوند و این اصلاً عدد بالایی نیست، ولی در حالی که حقوق ماهانه دهک ۱۰ ایرانی ۲۵ میلیون تومان است، کسانی که می‌آیند در کنکور ما به عنوان دهک دهم کل بازی را می‌برند، چقدر است؟ نکته سوم اینکه بگذارید حداقل از جیب بلوچستان و کردستان خرج نشود؛ اگر قرار است پولدارها ببرند چرا از جیب فقرا ببرند؟ از جیب خودشان ببرند.

کلاس کنکور که از جیب فقرا نمی‌رود، ثروتمند دارد پول آن را می‌دهد.

منظور من کلاس کنکور نیست. منظور من پول دانشگاه علوم‌پزشکی تهران است. بگذارید اگر می‌خواهد با پول ببرد، برود پولش را بدهد، چرا پول آن را ندهد؟

اگر اینگونه است که دانشگاه تهران و بقیه دانشگاه‌ها آمده‌اند پردیس دانشگاه و دانشگاه مجازی درست کرده‌اند. پس این دیگر اشکالی ندارد؟

آن هم از پول بچه‌های بلوچستان است، چون از امکانات همان دانشگاه دولتی آن سرویس را می‌دهد.

می‌گوید من پردیس زده‌ام، پول استاد را از پولدارها می‌گیرم و به آنها درس می‌دهم.

اگر تو جا داری پردیس بزنی اولاً مجانی بزن. اگر استادش را داری، چطور می‌گویی استاد کم است، صندلی کم است، پس چرا برای پردیس کم نیست؟! اگر استاد زیاد دارید، تربیت پزشکی را زیاد کنید بگذارید بچه‌های بیشتری قبول شوند. نمی‌گذارند، بعد می‌روند پردیس می‌زنند!

اگر قرار است پولداری با پول در این رقابت برنده شود که الان در کشور اینگونه است، بگذارید حداقل پول آن را بدهد. اینها با پول می‌برند، ولی پول آن را هم نمی‌دهند. پول پزشک شدن ۵ میلیارد تومان است، شما الان دارید از جیب بچه‌های بلوچستان، کردستان و کهگیلویه این پول را می‌دهید. بگذارید این پول را در ترکیه بدهد، ولی این دفتر و دستکی که در ایران ایجاد شده خرج آن بچه‌هایی بشود که ندارند. ما از همه طرف باید بخوریم، هم در کنکور پولدار برنده شود، هم در علوم پزشکی تهران بیاید مجانی تحصیل کند؟!

موضوع دیگری که از سوی شورا تصویب شده حذف دروس عمومی از کنکور است.

بی‌اهمیت کردن دروس عمومی، بی‌اهمیت کردن زبان فارسی یا تعلیمات دینی؛ چه کسی با آن موافق است؟

می‌گویند ما هنر تست‌زنی را از آن گرفته‌ایم دیگر و به جای آن آزمون را تشریحی کردیم و دانش‌آموز باید آن را واقعاً یاد بگیرد.

حتی کتاب هم چاپ نمی‌کنند. به جای اینکه مافیای کنکور را دعوت کنید و از آنها مشورت بگیرید، مجوز آنها را باطل کنید.

خب کلاس کنکور هم زیرزمینی می‌شود.

بشود! بگذارید یک گامی برداریم دیگر! الان من به شما می‌گویم با موادمخدر مبارزه کنیم، می‌گویید زیرزمینی می‌شود، خب بشود! بگذارید یک گام برداریم. این استدلال آقای رفسنجانی بود؛ بار اولی که می‌خواست مدارس غیرانتفاعی را تشکیل دهد در نماز جمعه می‌گفت پولدار که برای خودش معلم خصوصی می‌گیرد، پس ما چرا به او مدرسه ندهیم؟! آقا شما دارید تبعیض را ساختاری می‌کنید به بهانه اینکه او می‌رود به شکل زیرزمینی معلم می‌گیرد؟! می‌دانید الان معلم کنکور گرفتن در چین ممنوع است؟ کنکور سخت‌تر از ما هم دارند، مدرسه غیرانتفاعی و مافیا کنکور که هیچ، معلم کنکور گرفتن هم ممنوع است.

بر فرض حذف همه مدارس غیرانتفاعی، اصلاً آموزش و پرورش ما امکان آموزش این تعداد دانش‌آموز را دارد؟

من طرح آن را هم برای رئیس‌جمهور نوشته‌ام. قبلاً که در ستاد آقای رئیسی کمک می‌کردم، طرح جمع کردن مدارس غیرانتفاعی را مطابق بودجه آموزش و پرورش نوشتم. راه آن را نیز برای آنها گفتم، اما اصلاً طرف ما نیستند، طرف مدارس غیرانتفاعی هستند.

شورا می‌گوید من مشکلی ندارم که چه کسی آموزش بدهد، بیایند عمیق‌تر آموزش بدهند؛ ما می‌خواهیم دانش‌آموز یاد بگیرد. ولی الان یک مافیای کنکوری وجود دارد، می‌خواهیم این مافیا به جای اینکه هنر تست‌زدن یاد بدهد بیاید درس عمیق به دانش‌آموز آموزش دهد.

من می‌گویم شما چرا خود مافیا را برنمی‌دارید؟ چه مشکلی با برداشتن مافیا دارید؟ شما خودت مجوز مافیا را می‌دهی بعد می‌گویی برویم شیوه‌های پیچیده بگذاریم آنها بروند! خب مجوز به آنها ندهید! من فکر می‌کنم دارند ما را مچل می‌کنند، وقتی وزیر می‌گوید تمام آموزش و پرورش آلوده به مافیای کنکور است، یک سؤال نمی‌شود از او پرسید که مجوز اینها را چه کسی داده‌است؟ خیلی ساده است، خود او داده‌است.

آموزش و پرورش اکنون می‌گوید ما مجبور هستیم بچه‌ها را زود از کلاس بیرون کنیم که به کلاس کنکور برسند.

خب وقتی این شعارها را می‌دهند، چرا مجوز کلاس هنر تست زدن را از آن گرفته‌اند؟! اولاً که برای دروس تخصصی هست و در حقیقت آنها را از اهمیت انداخته‌اند. دیگر ملت اصلاً آنها را نمی‌خوانند و تمام می‌شود و می‌رود؛ چون آزمون تشریحی را که به راحتی می‌شود با تقلب و هزار روش دیگر رد کرد. اتفاقاً کتابی که از آن تست برگزار می‌شود به درستی خوانده می‌شود، ولی مسئله این است که اینها موضوعات مهمی نیست، شما مهم‌ترین موضوع کنکور را حل نمی‌کنید، بعد می‌روید حول و حوش مسائلی می‌چرخید که اهمیتی در آینده بچه‌ها ندارد.

آقا نهایتاً دهک بالا می‌خواهد علوم‌پزشکی تهران قبول شود، حالا شما کاری کرده‌اید که مافیای کنکور دوبار پول بگیرد تا او علوم‌پزشکی تهران قبول شود؛ چه هنری کرده‌اید! تازه اگر کنکور را دو تکه یا سه‌تکه کنید، هر چقدر تعداد بارهایی که لمس بچه‌ها با هر نوع آزمونی چه تشریحی چه تستی و چه کنکور و چه نهایی را زیاد کنید به نفع مافیا کار کرده‌اید. چون در آن نقطه می‌آید جنس خود را به بچه‌ها می‌فروشد.

کل مشکل با حذف کردن کلاس‌های کنکور حل می‌شود؟

اینها می‌گویند مافیای کنکور موضوع خیلی پیچیده‌ای است، من می‌گویم برای آغاز کار یک پیشنهاد خیلی ساده دارم. مثل یک دکمه است که خرجی هم برای دولت ندارد. آقا به اینها مجوز ندهید، بگذارید بروند زیرزمینی فعالیت کنند و با زیرزمینی آن هم برخورد کن، بگو هر معلمی که برود درس بدهد از فعالیت در آموزش و پرورش محرومش می‌کنم. خود وزیر آموزش و پرورش به اینها می‌گوید مافیای کنکور، بعد چگونه به این مافیا اجازه می‌دهد که کار کنند و به آنها مجوز می‌دهد؟! آخر چرا اینقدر ساختار ما ضد بچه‌های فقیر شده‌است؟ شما یک نگاهی بکنید ببینید در تصمیماتی که در آموزش و درمان می‌گیرند کجا به نفع فقرا شده‌است؟

می‌آیند در شورای عالی انقلاب فرهنگی سهمیه فرزندان هیئت علمی تصویب می‌کنند و بعد هم می‌گویند این سهمیه نیست، انتقال است، خب بابا این سهمیه است دیگر! من عضو هیئت علمی هستم، کلی حقوق می‌گیرم برای چه باید به بچه من سهمیه بدهید؟

در این شرایط آیا اینکه گفته می‌شود کنکور را باید حذف کنیم، تصمیم درستی است؟

اگر ما کانادا بودیم بله. ببینید کانادا در پذیرش دانشجوی پزشکی ۲۰ مرحله را می‌گذارد و مطمئن است در این ۲۰ مرحله و مصاحبه‌ای که می‌گذارند، تقلب و پارتی‌بازی و به نفع ثروتمندان عمل نمی‌شود، به این دلیل در کانادا کنکور داشتن و متمرکز کردن آزمون بی‌معناست، چون به سلامت فرآیند مطمئن هستند. یک فرآیندی را برای اینکه شما دانشجوی پزشکی شوید، طراحی و مردم عادی را هم صدا می‌کنند از شما مصاحبه بگیرند. یک بخش دیگر مصاحبه‌کننده‌ها، پزشک‌های متخصص هستند؛ یک بخش دیگر سیاستمدار است و مطمئن هستند فرآیندی که غیر از کنکور طراحی کرده‌اند، سالم است و پول روی آن اثر نمی‌گذارد. از طرف دیگر یک‌بار در امریکا بازیگران بزرگ رفتند از سهمیه‌های ورزشی استفاده کردند و بچه‌های خودشان را به هاروارد و ام آی تی فرستادند. مسئله لورفت، تبدیل به بزرگ‌ترین فضاحت آموزشی امریکا شد، جلوی آن را گرفتند، هم خود افراد و هم بچه‌هایشان و هم معلم‌هایی که این کار را کرده بودند، اخراج کردند.

اما در جایی که شما به فرآیند مطمئن نیستید، تنها سنگر دفاع از عدالت کنکور است و باید در خود کنکور کاری کرد که نابرابری ایجاد نشود. حداقل الان می‌شود، سر و ته کنکور را جمع کرد و فرآیند نیست، ۲۰ تا مصاحبه، هفت تا تست، گزینش ندارد، یک کنکور است و حداقل این را می‌شود سالم نگه داشت. حالا کاری ندارم که این را هم سالم نگه نمی‌دارند، ولی می‌شود آن را به عنوان یک امر متمرکز سالم نگه داشت. پس به عنوان آخرین سنگر دفاع، این است که تقلب نشود و پول کمتر در آن تأثیر داشته‌باشد. هر چند درست است که پول بیشتر تأثیر می‌گذارد، ولی قابل کنترل است. حالا اگر از کنترل خارجش کردید و بردید روی ۳هزارو ۴۰۰ مدرسه و مراحل گزینش یا اینکه دانشگاه‌ها خودشان بیایند دانشجو را انتخاب کنند، فاتحه جلوگیری از تقلب، پارتی‌بازی و ناعدالتی را باید بخوانی، چون اصلاً نمی‌توانی فرآیند را امن نگه دارید و تبدیل به یک ناعادلاتی محض می‌شود.

در مجموع معتقدم باید میدان آموزش را از پول پس بگیریم. به این معنا که تا لحظه‌ای که مدارس غیرانتفاعی هستند و فقط ۵۴ درصد از مدارس ایران غیرپولی محسوب می‌شوند، تا لحظه‌ای که معلمان خرید خدمت به یک عده درس می‌دهند و به یک عده معلمان میلیونی، تا لحظه‌ای که مافیای کنکور ۸۰ هزار میلیارد تومان دور مالی دارد، تا لحظه‌ای که در دانشگاه فرهنگیان پول اداره دانشگاه را از خود بچه‌های آن می‌گیرند، تا لحظه‌ای که طرح کلاغ سفید در آموزش و پرورش مشغول کاسبی است، تا لحظه‌ای که نظام آموزشی ما اینگونه پولکی است، شما نمی‌توانید کنکور را عادلانه و درست کنید. شما باید آموزش را مانند نفت که یک روزی ملی شد، ملی کنید، ملی یعنی اینکه تمام آحاد ملت مطابق قانون اساسی بدون هیچ‌گونه تبعیضی از خدمات با کیفیت آموزشی برای بچه‌های خود بهره‌مند باشند و این مهم‌ترین وظیفه هر دولتی است که در ایران مشغول فعالیت است.

مسئولیت اجتماعی

حسین سروقامت

۶۳۱

مدیران «San Antonio Spurs» یکی از برترین تیم‌های بسکتبال جهان سخنی از مصلح اجتماعی معروف «یاکوب ریس» را روی در کمدهای رختکن بازیکنان نصب کرده‌اند:
«هروقت حس می‌کنم هیچ کاری پیش نمی‌رود، به سنگ‌تراشی می‌اندیشم که بیش از صدبار به سنگ ضربه زده‌است، اما هیچ ترکی روی سنگ ایجاد نمی‌شود، ولی در صد و یکمین ضربه سنگ به دو نیم تقسیم می‌شود. من می‌دانم که آخرین ضربه باعث خرد شدن سنگ نشده و تمامی ضربات قبلی اثرگذار بوده‌اند!»
سهل‌انگاری خلبان در تغییر اندک مسیر هواپیما می‌تواند مقصد نهایی را کیلومترها جابه‌جا کند.
سرطان ۸۰ درصد از عمر خویش را مخفیانه سپری کرده، طی چند ماه بدن را درگیر می‌کند.
عادت‌ها نیز اینگونه‌اند؛ در ظاهر اتفاق خاصی رخ نمی‌دهد، اما ناگهان سر برمی‌آوری، می‌بینی به جای کعبه، ترکستانی!

یادداشت

زهرا چیذری

«گشت بارداری» حاشیه‌ای تازه در برابر قانون جوانی جمعیت

پس از حاشیه‌هایی که حول و حوش عملکرد «گشت ارشاد» شکل گرفت، حالا نوبت به حاشیه سازی‌های تازه‌ای تحت عنوان «گشت بارداری» رسیده‌است! «گشت بارداری» حاشیه‌سازی تازه‌ای است که طی روزهای گذشته علیه اجرای قانون جوانی جمعیت در برخی رسانه‌ها منتشر شد و به روال معمول به مذاق رسانه‌های آن طرف آب خوش آمده‌است. بر این اساس گفته می‌شود مأمورانی از سوی وزارت بهداشت در بعضی بیمارستان‌ها مستقر شده‌اند که با در اختیار داشتن مجوز قانونی، زنانی را که در سن باروری هستند، به فرزندآوری تشویق می‌کنند و آن دسته از زنان را که در پی عمل جراحی زنانه باشند، از این اقدام منع می‌کنند. برابر این اظهارات، پدرام پاک‌آیین، سخنگوی وزارت بهداشت با رد چنین موضوعی تأکید می‌کند: «چیزی تحت عنوان «گشت بارداری» در مراکز بهداشتی ودرمانی وجود ندارد و همه خدمات بهداشتی، درمانی و مشاوره‌ای درباره بارداری و درمان ناباروری در سطوح مختلف توسط پزشکان، ماماها و بهورزان به طور حضوری یا از طریق سامانه یکپارچه باروری سالم ارائه می‌شود.»

تمام ماجرا این است که با تغییر سیاست‌های جمعیتی کشور و در راستای اجرای قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت، قرار است وزارت بهداشت سامانه ملی «باروری سالم» را با هدف هوشمندسازی خدمات بهداشتی - درمانی حوزه سلامت مادران باردار و درمان ناباروری راه‌اندازی کند.

راه‌اندازی این سامانه به منظور اجرای ماده ۵۴ قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت است. این ماده وزارت بهداشت را مکلف می‌کند طی شش ماه از لازم‌الاجرا شدن این قانون، ضمن استقرار سامانه جامع نسبت به ثبت اطلاعات کلیه مراجعین باروری، بارداری، سقط و دلایل آن و زایمان و نحوه آن در تمامی مراکز بهداشتی، درمانی، آزمایشگاه‌ها، مراکز درمان ناباروری و مراکز تصویربرداری پزشکی اعم از دولتی و غیردولتی با رعایت اصول محرمانگی اقدام کند.

سخنگوی وزارت بهداشت همچنین با تکذیب برخی شایعات مبنی بر ارتباط بین این سامانه و تغییر در مرجع صدور مجوز سقط جنین اینگونه توضیح می‌دهد: «پیش از ابلاغ قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت هم سقط جنین جز در مواردی که به موجب قانون استثنا شده‌است، ممنوع بود، نه در اختیار والدین یا پزشکان. در واقع این موضوع همواره در صلاحیت مراجع قضایی قرار داشته و از طریق پزشکی قانونی صورت می‌گرفته و نظام سلامت در این مورد ذیصلاح شناخته نمی‌شد.»

تنها چیزی که ممنوع‌شده عقیم‌سازی دائم زنان و مردان یا مواردی را که احتمال برگشت‌پذیری در آنها ضعیف یا بسیار دشوار باشد، آن هم به دلیل عوارض پزشکی است. اینجا هم مواردی که بارداری برای مادر اولاً خطر جانی یا عوارض جسمی جدی داشته‌باشد، ثانیاً راه دیگری نداشته‌باشد و ثالثاً دفع ضرر با پیشگیری‌های موقت ممکن نباشد، از این قاعده مستثناست. وزارت بهداشت برای حمایت از سلامت مادر باردار، ارتقای مراقبت‌های بهداشتی در دوران بارداری، زایمان ایمن و هوشمندسازی خدمات بهداشتی درمانی حوزه سلامت مادران اقدام به راه‌اندازی سامانه‌ای ملی و یکپارچه کرده‌است. در این سامانه، اطلاعات مادران باردار و همین طور افراد نابارور و خدماتی که مراکز بهداشتی، درمانی، آزمایشگاه‌ها، مراکز درمان ناباروری و مراکز تصویربرداری در بخش دولتی و خصوصی به اشخاص ارائه می‌کنند، ثبت و ارزیابی می‌شود.

سامانه حاضر، سامانه‌ای پیشرو برای ارتقای مراقبت‌ها و خدمات مبتنی بر سلامت مادر و کودک از یک‌سو و مؤثرسازی درمان ناباروری از سوی دیگر است. از زمانی که مادر باردار به پزشک مراجعه می‌کند و درخواست آزمایش یا سونوگرافی صورت می‌گیرد، نتایج در این سامانه ثبت و مجموعه اقدامات در آن بارگذاری می‌شود. یکی از امکانات این سامانه، پنل یکپارچه نسخه‌نویسی الکترونیک است. پزشکان صرف‌نظر از اینکه بیمار آنها تحت پوشش کدام یک از بیمه‌ها باشد، می‌توانند با امضای دیجیتال از خدمات یکپارچه این سامانه استفاده کنند.

پیام جوان

سلام بر شما مخاطبان همیشگی «جوان». این ستون متعلق به شماست. دلگویه‌های شما عزیزان را از طریق شبکه‌های اجتماعی با شماره ۰۹۱۹۰۹۶۸۵۳۰ یا تلفن: ۸۸۴۹۸۴۴۸ پذیرا و شنوا هستیم. در نظر داشته باشید این ستون را مسئولان و مدیران با حساسیت ویژه می‌خوانند.

شهروند - تهران: سایت آپارات به دلیل محدودیت‌هایی که برای برخی از سایت‌های ویدئو و موسیقی خارجی گذاشته شده‌است، یکی از سایت‌هایی است که مردم از آن در حوزه ویدئو و موسیقی استفاده می‌کنند، اما مشکلی که در این میان به وجود آمده این است مدتی نظارت قابل‌قبولی بر این سایت دیده نمی‌شود و تبلیغات و فیلم‌هایی که در این سایت بارگذاری می‌شود، بدون هیچ نظارتی در اختیار همگان قرار می‌گیرد. از پوشش نامناسب بانوان در تبلیغات گرفته تا فیلم‌های روزی که در این سایت بدون هیچ سانسوری بارگذاری می‌شود و در اختیار مردم قرار می‌گیرد. در این سایت، پوشش نامناسب بانوان و هنجارشکنی‌هایی دیده می‌شود که روند بی‌حجابی و بی‌بند و باری را عادی‌سازی می‌کند و تسریع می‌بخشد.

شهروند - رودسر: وضعیت جاده اشکورات شهرستان رودسر استان گیلان بسیار نامناسب و از ایمنی کم جاده‌ای برخوردار است. با توجه به تعداد زیاد روستاهای بالادست و رفت‌و آمد زیاد روستاییان برای حمل و نقل و جابه‌جایی محصولات کشاورزی که قطب کشاورزی منطقه شرق گیلان محسوب می‌شود، از مسئولان راه و ترابری شهرستان تقاضا داریم نسبت به مرمت و زیرسازی این جاده اقدام کنند.